



Shahid Sattari Aeronautical University
of Science and Technology

Designing The Policy Model of Corporate Entrepreneurship with an Emphasis on Institutional Factors

Hojjat Zoghi Kodehi¹, Ali Davari²

Abstract

Background & Purpose: The realization of corporate entrepreneurship requires appropriate policy-making frameworks, which are shaped by institutional factors. Institutions play a critical role in either facilitating or hindering entrepreneurial processes. Accordingly, this study aims to design a policy-making model for corporate entrepreneurship with a specific emphasis on institutional factors.

Methodology: This research was conducted using a qualitative meta-synthesis method and by reviewing 55 articles from 150 initial articles. Based on the inclusion criteria, the final articles were selected from foreign articles in reputable databases between 2001 and 2025 and domestic articles between 2009 and 2025. The validity of the study was based on the Sandelowski-Baruso method and the reliability was also determined using the Kappa index.

Findings: Based on the data analysis, the main dimensions of organizational entrepreneurship policymaking were categorized into the following: Policy making category, consisting of eight concepts — lack of structural policies, lack of economic and financial support policies, lack of technological policies, lack of cultural policies, lack of legal policies, lack of networking and information dissemination policies, lack of business environment assessment policies, and widespread international sanctions — with a total of 37 codes. Institutional factors category, consisting of five concepts — formal institution, cognitive institution, normative institution, regulatory and legal institution, and informal institution — with 16 codes. Outcomes of organizational entrepreneurship development category, consisting of eight concepts — reform and development of financial and support incentives, cultural and educational improvement, strengthening and improving related infrastructures, administrative and structural improvement of businesses, facilitation and enhancement of innovative programs, strategic development of entrepreneurship in government plans, improvement of communication with business networks inside and outside the country, and formulation and development of national macro policies for organizational entrepreneurship development — with a total of 37 codes.

Conclusion: Improving and promoting corporate entrepreneurship development policies is an important strategic issue. Therefore, to reduce and solve the challenges in this field, the policy makers should provide the ground for the implementation of successful solutions in the country.

Keywords: *Policy Making, Corporate Entrepreneurship, Institutional Factors.*

Citation: Zoghi, Kodehi Hojjat and Davari, Ali.(2025). Designing The Policy Model of Corporate Entrepreneurship with an Emphasis on Institutional Factors. *Journal of Innovation Management in Defensive Organizations*, 8(27), 81-110.

1. PhD of Corporate Entrepreneurship, Entrepreneurship Department, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: Zoghi57@yahoo.com

2. Associate Prof., Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Alidavari2020@gmail.com



دانشکده مدیریت

فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی
شاپای انتشار: ۷۱۱۲-۲۶۷۶
دوره ۸، شماره ۲۷
بهار ۱۴۰۴
صص ۸۱-۱۱۰

طراحی مدل سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی

حجت ذوقی کودهی^۱، علی داوری^۲

چکیده

زمینه و هدف: تحقق کارآفرینی سازمانی مستلزم وجود بسترهای سیاست‌گذاری مناسبی است که تحت تأثیر عوامل نهادی شکل می‌گیرند. نهادها نقش مهمی در تسهیل یا مانع‌سازی فرایندهای کارآفرینانه ایفا می‌کنند. بر این اساس در این تحقیق به طراحی مدل سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی: این پژوهش با استفاده از روش کیفی فراترکیب و با مرور ۵۵ مقاله از بین ۱۵۰ مقاله اولیه انجام شده است. بر اساس معیارهای ورود به مطالعه، مقاله‌های نهایی از بین مقالات خارجی در پایگاه‌های داده معتبر بین سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۵ و مقالات داخلی ۱۳۸۸ الی ۱۴۰۴ انتخاب شدند. روایی پژوهش بر اساس روش سندلوسکی بارسو به و پایایی نیز با استفاده از شاخص کاپا انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل داده‌ها ابعاد اصلی سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی در مقوله سیاست‌گذاری (با هشت مفهوم شامل فقدان سیاست‌های ساختاری، فقدان سیاست‌های اقتصادی و تأمین مالی، فقدان سیاست‌های فناورانه، فقدان سیاست‌های فرهنگی، فقدان سیاست‌های قانونی، فقدان سیاست‌های شبکه‌سازی و اطلاع‌رسانی، فقدان سیاست‌های ارزیابی محیط کسب و کار و تحریمات بین‌المللی گسترده و ۳۷ کد)، یک مقوله عوامل نهادی (با پنج مفهوم شامل نهاد رسمی، نهاد شناختی، نهاد هنجاری، نهاد تنظیمی و قانونی و نهاد غیر رسمی و ۱۶ کد)، هشت مقوله نتایج توسعه کارآفرینی سازمانی (با ۸ مفهوم شامل اصلاح و توسعه مشوق‌های مالی و حمایتی، اصلاح و بهبود فرهنگی و آموزشی، تقویت و بهبود زیرساخت‌های مرتبط، اصلاح و بهبود ساختاری اداری کسب و کار، تسهیل و بهبود برنامه‌های نوآورانه، توسعه راهبردی کارآفرینانه در برنامه‌های دولت، بهبود ارتباطات با شبکه صاحبان کسب و کار در داخل و خارج از کشور و تدوین و توسعه سیاست‌های کلان ملی جهت توسعه کارآفرینی سازمانی و ۳۷ کد) دسته‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: بهبود و ارتقاء سیاست‌های توسعه کارآفرینی سازمانی یک موضوع راهبردی مهم است. لذا سیاست‌گذاران باید جهت کاهش و رفع چالش‌های این حوزه، زمینه پیاده‌سازی راه‌کارهای موفق را در کشور فراهم نمایند.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری، کارآفرینی سازمانی، عوامل نهادی.

استناد: ذوقی کودهی، حجت و داوری، علی. (۱۴۰۴). طراحی مدل سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی. فصلنامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی، ۸(۲۷)، ۸۱-۱۱۰.

۱. دکتری کارآفرینی سازمانی، گروه کارآفرینی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. رایانامه:

Zoghi57@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Alidavari2020@gmail.com

مقدمه

با عنایت به نقش محوری و بنیادین کارآفرینی سازمانی در توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی خاصه در کشورهای در حال توسعه بسترسازی و تسهیل فعالیت‌های کارآفرینانه به یکی از اولویت‌های اصلی سیاستگذاری سازمان‌ها و دولت‌ها بدل شده است. سیاست‌های حمایتی از کارآفرینی سازمانی، به موازات تلاش دولت‌ها برای ایجاد محیط مساعد جهت رشد و شکوفایی کسب‌وکارهای نوپا و کارآفرینان مستعد، پیچیدگی فزاینده‌ای یافته‌اند (اونیلوو و همکاران، ۲۰۲۴). افزون بر این، با توجه به جایگاه فعالیت‌های کارآفرینانه به عنوان محرکی کلیدی در ارتقای شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی، تعاریف نوظهور و متنوعی از سیاست‌های کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، در حال شکل‌گیری است (فونکو و همکاران، ۲۰۲۳).

حوزه سیاست‌گذارهای توسعه کارآفرینی سازمانی نسبت به جریان‌ات سیاستگذاری اقتصادی به‌خوبی توسعه‌نیافته‌اند. اگرچه نقش کارآفرینی سازمانی در رابطه با توسعه اقتصادی از طریق دیده‌بانی جهانی کارآفرینی از اواخر دهه ۱۹۹۰ شروع شده است؛ اما هنوز هم پیشرفت بسیار محدودی در حوزه سیاستگذاری توسعه کارآفرینی به‌عنوان یک حیطه مستقل مشهود است (پارکر^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع به نظر می‌رسد که ابهامات قابل توجهی در رابطه با سیاست‌های حمایتی توسعه کارآفرینی سازمانی در مقابل سیاست‌های سنتی جهت توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط وجود دارد. اگرچه توجه به سیاستگذاری کارآفرینی سازمانی رو به افزایش است، اما در حال حاضر هم درک درستی از محدودکننده‌ها و چالش‌های توسعه کارآفرینی در سیاست‌های دولتی وجود ندارد. همچنین، فقدان مطالعات دانشگاهی و نظریه در این حوزه مشهود است (مریندول^۲ و همکاران، ۲۰۲۴).

کارآفرینی سازمانی یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه سیاستگذاری عمومی به‌منظور اشتغال‌زایی و ارتقای رشد پا به عرصه ظهور نهاده است. اکثر دولت‌های منطقه‌ای و ملی جهت تسریع در توسعه کارآفرینی برنامه‌های جدید را پیاده‌سازی نموده و تغییراتی را در قوانین خود داشته‌اند. این اقدامات به‌وضوح نشان داده که سیاست‌های کارآفرینی فقط یک تغییر و حرکت ساده از سیاست‌های کسب‌وکارهای کوچک نیست. بلکه بیشتر تمایل به سوی رشد شرکت‌ها، ترویج کارآفرینی و ایجاد محیط اقتصادی جدید دارد. در نتیجه، سیاست‌های کارآفرینی در حال حاضر دارای حیطه گسترده و جهت‌گیری هستند (برجانی^۳ و همکاران،

1. Parker

2. Mérindol

3. Berjani

۲۰۲۳). علاوه بر این، عوامل بازاری و اقتصادی متعدد می‌توانند باعث توسعه و برانگیختن فعالیت‌های کارآفرینانه شوند، اما عدم دسترسی به منابع مالی و انسانی، فقدان تقاضا، مالیات بالا، تورم، عدم دسترسی به درون داده‌ها از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات توسعه اقتصادی در راستای شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه و به‌خصوص کارآفرینی سازمانی است (نبیف^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

در تبیین ضرورت و اهمیت موضوع سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی باید تأکید کرد که فعالیت‌های کارآفرینانه در خلأ رخ نمی‌دهند، بلکه تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل نهادی، محیطی، شرایط اقتصاد کلان، فضای کسب‌وکار و نقش‌آفرینی دولت شکل می‌گیرند. از این رو، دولت‌ها موظف‌اند در حوزه‌های مختلف به اجرای سیاست‌های حمایتی از کارآفرینی بپردازند. سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی با هدف حمایت از افرادی طراحی می‌شود که علاقه‌مند به راه‌اندازی کسب‌وکار هستند، به‌ویژه آنانی که در سه سال نخست فعالیت خود قرار دارند (اونیلوو و همکاران^۲، ۲۰۲۴). این سیاست‌گذاری‌ها بر حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت از طریق کاهش موانع ورود و تسهیل فرآیند خروج از بازار تأکید دارند، تا بدین‌وسیله کارآفرینان بتوانند در مسیر موفقیت گام بردارند و فرصت‌های شغلی نوآورانه‌ای ایجاد نمایند (توتنچی و همکاران، ۱۴۰۳).

سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی، فرآیندی جامع است که مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها را دربر می‌گیرد و در قالب یک سیاست یکپارچه سامان می‌یابد. این سیاست‌ها به‌صورت مستقیم بر پیامدهای کارآفرینی اثرگذارند و در صورتی که به‌درستی طراحی و اجرا شوند، می‌توانند موجب رشد و شکوفایی فعالیت‌های کارآفرینانه در کوتاه‌مدت و بلندمدت شوند. هدف اصلی سیاست‌های توسعه کارآفرینی، تقویت و ترویج فعالیت‌های مولد کارآفرینانه در سطح جامعه است (کیان و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، وانگ و همکاران (۲۰۱۹) بر نقش حیاتی نهادهای بخش عمومی در اجرای مؤثر این سیاست‌ها تأکید کرده‌اند. به باور ایشان، عوامل نهادی، شرایط محیطی، بسترهای کلان اجتماعی و اقتصادی، گروه‌های ذی‌نفع، و همچنین کیفیت ارتباطات درون‌سازمانی، همگی نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی فرایند پیاده‌سازی سیاست‌های کارآفرینی دارند.

هلپمن (۲۰۰۹) بر اهمیت انتقال فناوری، کاهش مالیات، ارائه مشوق‌های حمایتی، دسترسی به بازارهای خارجی و مقررات‌زدایی تأکید می‌کند. در این میان، ساختار نهادی هر کشور تأثیر عمیقی بر عملکرد اقتصادی آن دارد. در کشورهایی که با ضعف در سازوکارهای

1. Nabiyev

2. Onileowo

اقتصادی و توسعه‌نیافتگی مواجه‌اند، ترتیبات نهادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. نهادها مجموعه‌ای گسترده از محدودیت‌های رسمی و غیررسمی را دربرمی‌گیرند که با درجات مختلفی بر رشد اجتماعی و اقتصادی اثرگذارند (ساندرا-پونز^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). هرگونه اصلاح در حوزه نهاد‌های حقوقی و سیاسی، باید در راستای استقرار حاکمیت قانون، ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاران، ثبات سیاسی و اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، تقویت نهاد‌های مالی، ارتقای کارآمدی قوانین و مقررات، و تسهیل ضوابط مرتبط با تجارت و تولید صورت گیرد (هرد^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). نظریه نهادی نیز بر نقش عوامل زمینه‌ای و نهادی نظیر اجتماع، فرهنگ، اقتصاد و سیاست به‌عنوان عناصر تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی تأکید دارد (بوزاروفسکی^۳، ۲۰۲۴).

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، هدف پژوهش حاضر به طراحی مدل سیاستگذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی با استفاده از روش فرا ترکیب پرداخته است. توسعه کارآفرینی سازمانی به‌عنوان یک موتور محرک برای نوآوری، رشد اقتصادی و ایجاد ارزش در سازمان‌ها، همواره مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران بوده است. با این حال، ادبیات موجود در این زمینه، اغلب به صورت پراکنده و غیر منسجم به بررسی عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی سازمانی پرداخته و کمتر به نقش محوری سیاستگذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی توجه نموده است. بررسی مدل‌های سیاستی پیشین نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، همچنان شکاف‌های نظری قابل توجهی در این حوزه وجود دارد که مانع از ارائه یک چارچوب جامع و اثربخش برای توسعه کارآفرینی سازمانی می‌گردد. یکی از محدودیت‌های اساسی در این حوزه، عدم توجه کافی به نقش و اهمیت عوامل نهادی در فرآیند سیاستگذاری کارآفرینی سازمانی است. در نتیجه، سیاستگذاری کارآفرینی سازمانی باید با در نظر گرفتن این عوامل نهادی و با هدف ایجاد یک محیط نهادی مساعد برای فعالیت‌های کارآفرینانه، طراحی و اجرا شود.

از این رو، چالش‌هایی نظیر محدودیت در تأمین منابع مالی، سطح پایین ریسک‌پذیری، ساختار اقتصادی حاکم، فقدان زیرساخت‌های مناسب، محیط نظارتی ناپایدار، نوع صنعت، اثرگذاری شبکه‌های کسب‌وکار، و دشواری دسترسی به بازارهای هدف، همچنان در مرحله راه‌اندازی و تثبیت کسب‌وکارها در کشور، به‌صورت دقیق و نظام‌مند مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. این موارد نیز بخشی از همان خلأ نظری محسوب می‌شوند که در طراحی مدل

1. Sendra-Pons

2. Hurd

3. Bouzarovski

نهایی این پژوهش، تلاش شده است با افزودن مؤلفه‌های مغفول‌مانده، تا حد امکان پوشش داده شوند. در این راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان یک مدل سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی طراحی نمود؟ این مدل باید قادر باشد تا با شناسایی و درک صحیح عوامل نهادی موثر بر کارآفرینی سازمانی، ابزارها و راهکارهای سیاستی مناسبی را برای رفع موانع و تسهیل فعالیت‌های کارآفرینانه در سازمان‌ها ارائه دهد.

در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از روش فراترکیب، یک مدل سیاست‌گذاری جامع و منسجم برای توسعه کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی ارائه گردد. این مدل، علاوه بر شناسایی و تحلیل عوامل نهادی کلیدی، به بررسی ابعاد گوناگون سیاست‌گذاری، ابزارهای اجرایی، و سایر جنبه‌های مرتبط با عوامل نهادی، توسعه اقتصادی، و بهبود شرایط فعالیت سازمان‌های کوچک و متوسط نیز می‌پردازد. هدف نهایی این پژوهش، ارائه یک چارچوب عملی و کاربردی برای سیاست‌گذاران و مدیران سازمانی است که بتوانند با استفاده از آن، محیطی مساعد برای توسعه کارآفرینی سازمانی ایجاد نموده و از مزایای آن بهره‌مند گردند.

پیشینه پژوهش

سیاست‌گذاری: فرایندی است که از طریق آن دولت‌ها و سازمان‌ها، اهداف و مقاصد خود را در مواجهه با مسائل و چالش‌های مختلف تعیین می‌کنند. این فرایند، شامل شناسایی مشکلات، تدوین راهکارها، انتخاب بهترین گزینه، اجرا و ارزیابی نتایج است (اسمیت^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). به عبارتی دیگر، سیاست‌گذاری تلاشی آگاهانه و هدفمند برای شکل‌دهی به رویدادها و تاثیرگذاری بر رفتار افراد و سازمان‌ها در جهت دستیابی به اهداف مطلوب است. این تلاش، می‌تواند از طریق وضع قوانین، تخصیص منابع، ارائه خدمات یا تنظیم مقررات صورت پذیرد و نیازمند درک عمیق از مسائل، مشارکت ذینفعان و ارزیابی مستمر است (جوهاس^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

کارآفرینی سازمانی: کارآفرینی سازمانی به‌عنوان یک فرآیند است که سعی در پیاده‌سازی نوآوری بطور مستمر و مفید، در هنگام حضور در بازارهای جهانی دارد (کوراتکو^۳ و همکاران ۲۰۱۳). کارآفرینی سازمانی یک موضوع مهم برای توسعه رشد اقتصادی و خلق

1. Smith

2. Juhász

3. Kuratko

ثروت است. عناوین مختلفی در رابطه با کارآفرینی سازمانی وجود دارند که عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاری سازمانی، جسارت سازمانی درونی، کارآفرینی داخل سازمانی، مدیریت سرمایه‌گذاری، کارآفرینی سازمانی درونی و سرمایه‌گذاری‌های جدید (فونکو^۱، ۲۰۲۳).

عوامل نهادی: نورث و همکاران (۱۹۹۰) نهادها را به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند. قواعد غیررسمی شامل آداب، قراردادهای، هنجارها و فرهنگ‌اند که از طریق رسوم اجتماعی و همچنین قوانین رسمی مورد حمایت قرار می‌گیرند؛ ازجمله این عناصر می‌توان به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه اشاره کرد. در واقع، این آداب، هنجارها و رسوم اجتماعی هستند که امکان فعالیت و همکاری با افراد ناشناس را در بستر بازار فراهم می‌سازند؛ مسئله‌ای که بنیان زندگی اقتصادی را شکل می‌دهد. به‌عبارتی، پایه و اساس نهادهای غیررسمی، بر ارزش‌های اعتمادآفرین و روابط متقابل استوار است (تونینگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۲).

پیشینه تجربی

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی نقش عوامل نهادی در سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی سازمانی پرداخته‌اند. این مطالعات، با بهره‌گیری از رویکردهای نظری و تجربی متنوع، تلاش کرده‌اند تا تأثیر نهادهای رسمی و غیررسمی را بر فرآیند کارآفرینی سازمانی و عملکرد شرکت‌ها ارزیابی کنند. در این بخش، مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش‌ها مرور می‌شود و ضمن تحلیل نقاط قوت و ضعف آن‌ها، شکاف‌های موجود در ادبیات موضوع شناسایی خواهد شد.

گیرما و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان زمینه‌سازی کارآفرینی سازمانی: یک بررسی سیستماتیک و دستور کار تحقیقات آینده به این موضوع پرداخته‌اند که کارآفرینی سازمانی، مفهومی بنیادین در تحقیقات کارآفرینی به‌شمار می‌رود. این مطالعه با استفاده از رویکرد مرور سیستماتیک، ۲۱۴ مقاله منتشر شده در مجلات معتبر بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۳ را تحلیل کرده و یک مدل مفهومی ارائه داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در ادبیات کارآفرینی سازمانی، نقش عوامل زمینه‌ای نظیر مؤلفه‌های تجاری، اجتماعی، مکانی، نهادی، سازمانی و مالکیتی، به‌طور کافی مورد توجه قرار نگرفته است. اونیلووو^۳ (۲۰۲۴) تأثیر سیاست‌های دولتی بر توسعه کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده

1. Funko

2. Thoenig

3. Onileowo

است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کسب‌وکارهای نوپا و کارآفرینان فعال در یک منطقه جغرافیایی خاص بوده و نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بوده که برای سنجش دیدگاه کارآفرینان نسبت به اثر سیاست‌های دولتی بر فعالیت‌های آنان طراحی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی دولت مانند اعطای تسهیلات مالی، آموزش‌های کارآفرینی و تدوین مقررات و قوانین مؤثر، تأثیری مثبت و معنادار بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه داشته‌اند.

آراگاو^۱ و همکاران (۲۰۲۴) نیز در پژوهشی با رویکرد سیستماتیک و مبتنی بر مدل «ورودی-فرایند-خروجی»، به بررسی تأثیر ابعاد زمینه‌ای بر توانمندسازی کارآفرینی سازمانی در شرکت‌ها پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از روش ترکیبی (کمی-کیفی) انجام شده و جامعه آماری آن شامل مدیران، کارکنان و کارشناسان شرکت‌های فعال در صنایع گوناگون است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل اسناد سازمانی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر کارآفرینی سازمانی به دو دسته داخلی (مانند بررسی محیط درون‌سازمانی، ساختار و فرهنگ سازمانی، حمایت مدیریت ارشد، سطح اختیار و استقلال کارکنان، و مدیریت زمان) و خارجی (نظیر شدت رقابت، تغییرات فناورانه و سیاست‌ها و حمایت‌های دولت) تقسیم می‌شوند. همچنین، ابعاد زمینه‌ای محیط کسب‌وکار همچون موقعیت جغرافیایی، شرایط نهادی، ساختار مالکیت و زمینه‌های اجتماعی تأثیر بسزایی بر موفقیت کارآفرینی سازمانی دارند.

پارکر^۲ (۲۰۲۴) به بررسی پیوند میان دموکراسی، فساد و سیاست‌های توسعه کارآفرینی درون‌زا در کسب‌وکارها پرداخته است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی (کمی-کیفی) انجام شده و جامعه آماری آن شامل مدیران، کارآفرینان و کارشناسان سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار است. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای و هدفمند صورت گرفته و ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه، مصاحبه‌های عمیق و تحلیل اسناد و گزارش‌های دولتی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان دموکراسی، فساد و سیاست‌های کارآفرینی درون‌زا، رابطه‌ای پیچیده و چندلایه است که نیازمند تحلیل دقیق اثرات این سیاست‌ها بر ذی‌نفعان مختلف می‌باشد. به‌ویژه، در حالی که سیاست‌های کارآفرینی با هدف افزایش رقابت در بازار طراحی می‌شوند، ممکن است به‌طور ناخواسته موجب تضعیف موقعیت شرکت‌های موجود گردند. این شرکت‌ها در واکنش به چنین

1. Aragaw

2. Parker

تهدیدهایی، ممکن است از سازوکارهایی نظیر فساد یا اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکتی بهره ببرند. به‌طور خاص، فساد می‌تواند اثربخشی سیاست‌های حامی کارآفرینی را کاهش دهد، در حالی که اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکتی می‌توانند باعث افزایش مشروعیت عمومی شرکت‌ها و تقویت موضع آن‌ها در برابر رقبای جدید شوند. بنابراین، در سیاست‌گذاری مرتبط با کارآفرینی سازمانی، توجه به این سازوکارهای مقابله‌ای و تلاش برای ارتقای شفافیت و ایجاد رقابت سالم، ضروری و راهبردی تلقی می‌شود.

کریمی و همکاران نیز در مطالعه‌ای با عنوان کارآفرینی زنان روستایی: مواجهه با موانع نهادی، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در مسیر کارآفرینی زنان در مناطق روستایی پرداخته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر نقش سیاست‌های دولتی، نبود حمایت مالی، ضعف در ترتیبات حمایتی و دشواری‌های اخذ مجوز، عواملی را شناسایی کرده است که توسعه کارآفرینی را در این فضاها با محدودیت مواجه می‌سازد. همچنین، پژوهش با الهام از الگوی سطح کلان و خرد هافستد، به بررسی ارتباط میان ساختارهای نهادی و کنش‌های فردی زنان کارآفرین پرداخته است. روش تحقیق این مطالعه کیفی بوده و از مصاحبه و تحلیل محتوای تجربیات زنان کارآفرین روستایی برای شناسایی راهبردهای آن‌ها در مواجهه با موانع استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شرایط ضعف حمایت نهادی، زنان کارآفرین با بهره‌گیری خلاقانه از جنبه‌های فرهنگی مرتبط با جنسیت، مسیر فعالیت خود را ادامه می‌دهند. این مطالعه تأکید می‌کند که درک عمیق از نقش فرهنگ و جنسیت، نقشی کلیدی در تبیین ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی زنان در محیط‌های روستایی ایفا می‌کند و توجه به آن در طراحی سیاست‌های توسعه ضروری است.

برجانی^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان موضوعات گفتمانی در متون سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی: تحلیل مقایسه‌ای بین هلند و کوزوو به بررسی چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های سیاستی در دو کشور پرداختند. این مطالعه با بهره‌گیری از ترکیب روش‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، به تحلیل اسناد و متون سیاست‌گذاری کارآفرینی در هلند و کوزوو پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی میان دو کشور تأثیر بسزایی بر نحوه تدوین و جهت‌گیری سیاست‌های کارآفرینی گذاشته است. در هلند، سیاست‌ها عمدتاً با تمرکز بر نوآوری و رشد اقتصادی در چارچوب اقتصاد بازار طراحی شده‌اند؛ در حالی که در کوزوو، تأکید اصلی بر کاهش بیکاری و ارتقاء توسعه اجتماعی است. همچنین، نوع گفتمان‌های حاکم بر متون سیاستی این کشورها

۱. Berjani

بازتاب‌دهنده اولویت‌ها، نیازها و شرایط خاص اجتماعی و سیاسی هر کشور می‌باشد. این پژوهش با پیوند دادن سیاست‌گذاری به رویکرد زمینه‌محور در توسعه کارآفرینی، درک عمیق‌تری از ارتباط میان گفتمان‌ها، ایدئولوژی، سیاست و کارآفرینی ارائه می‌دهد.

دایاس^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان قابلیت‌های سازمانی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی: مبنایی برای بهبود عملکرد تجاری و سیاست‌گذاری به بررسی نقش قابلیت‌های درونی سازمان‌ها در تقویت کارآفرینی پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شده و جامعه آماری آن شامل مدیران، کارشناسان و کارکنان شرکت‌های نوپا و شرکت‌های با رشد بالا است که از طریق نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل اسناد سازمانی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که دسترسی به منابع مالی و قابلیت‌های نوآوری از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده توسعه کارآفرینی در سازمان‌ها به‌شمار می‌روند. در مقابل، تجربه بازار و مشتری‌مداری تأثیر معناداری بر ارتقای کارآفرینی در این پژوهش نداشته‌اند.

فریریز^۲ و همکاران (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی با عنوان نهادهای مرتبط، کارآفرینی و عملکرد اقتصادی به بررسی نقش نهادهای رسمی و غیررسمی در تقویت فعالیت‌های کارآفرینانه و بهبود عملکرد اقتصادی پرداخته‌اند. این مطالعه با رویکرد کمی و تحلیل رگرسیونی انجام شده و جامعه آماری آن شامل شرکت‌های کوچک و متوسط در بخش‌های گوناگون اقتصادی است که از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد و اطلاعات مالی شرکت‌ها بوده است. در این پژوهش، مؤسسات رسمی (نظیر شاخص سهولت کسب‌وکار، زمان و هزینه ثبت شرکت، قوانین مالکیت فکری، پایداری سیاسی، مقررات دولتی و تعرفه‌های تجاری) و مؤسسات غیررسمی (نظیر سطح همکاری بین شرکت‌ها، روحیه پذیرش نوآوری، سرمایه انسانی، مهارت‌های فارغ‌التحصیلان، سرمایه اجتماعی و شفافیت) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر دو دسته از نهادها، تأثیر مثبتی بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی شرکت‌ها دارند. همچنین، فعالیت‌های کارآفرینانه نقش واسطه‌ای مهمی در تقویت رابطه بین نهادهای غیررسمی و عملکرد اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

کیان و آکز^۳ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان اکوسیستم‌های کارآفرینی و سیاست توسعه

1. Dias

2. Ferreira

3. Qian & Acs

اقتصادی با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، به بررسی متون سیاست‌گذاری کارآفرینی در دو کشور هلند و کوزوو پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل متون رسمی و اسناد سیاستی مرتبط با کارآفرینی در این کشورها بوده و نمونه‌گیری به صورت هدفمند از میان این اسناد انجام شده است. داده‌ها از طریق کدگذاری متون و شناسایی گفتمان‌ها و مفاهیم کلیدی گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی قابل توجه بین هلند و کوزوو، موجب شکل‌گیری سیاست‌گذاری‌های متفاوت در حوزه کارآفرینی شده‌اند که بر مبنای نگرش‌ها و ایدئولوژی‌های زمینه‌ای خاص هر کشور شکل گرفته‌اند. این مطالعه با تأکید بر پیوند میان گفتمان، ایدئولوژی، سیاست‌گذاری و کارآفرینی، بینشی عمیق‌تر نسبت به ارتباط مفهومی این عناصر ارائه کرده است.

آندریا^۱ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی رابطه بین کارآفرینی و عدم اطمینان نهادی پرداخته‌اند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی (کمی-کیفی) انجام شده است و جامعه آماری آن را کارآفرینان و مدیران کسب‌وکارها در صنایع مختلف تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای و ابزارهای گردآوری داده شامل پرسشنامه، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل اسناد بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های نهادهای رسمی و غیررسمی از جمله عادات، ساختارهای دولتی، کیفیت و ثبات مقررات، در شکل‌گیری عدم اطمینان کارآفرینانه نقش دارند. این عدم اطمینان مستقیماً بر تمایل به اقدام کارآفرینانه تأثیرگذار است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که وجود ثبات نهادی و مقررات کارآمد، کلید تسهیل فعالیت‌های کارآفرینی است؛ در حالی که افزایش بیش از حد بار مقرراتی می‌تواند مانعی برای توسعه کسب‌وکارهای نوپا ایجاد کند.

سندرا-پونز^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان عوامل نهادی مؤثر بر توسعه کارآفرینی: تحلیل مقایسه‌ای کیفی با استفاده از روش تحقیق کیفی، به بررسی نقش نهادها در شکل‌گیری فضای کارآفرینی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. جامعه آماری شامل نهادهای دولتی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های فعال در حوزه کارآفرینی و کارشناسان این حوزه است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده و ابزارهای گردآوری داده شامل بررسی اسناد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بوده است. نتایج نشان می‌دهد که چارچوب نهادی هر کشور نقش مهمی در ارتقای کارآفرینی و رشد اقتصادی ایفا می‌کند. به ویژه، فقدان کیفیت نظارتی و ناکارآمدی نهادهای اجرایی می‌تواند مانعی جدی در مسیر توسعه کارآفرینی باشد، حتی اگر سایر عوامل تسهیل‌گر وجود داشته باشند. ایجاد حداقلی از اطمینان در

1. Andrea

2. Sendra-Pons

محیط‌های پرریسک برای تشویق کارآفرینان، یکی از الزامات کلیدی عنوان شده است. خان^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با رویکرد پدیدارشناسی و روش تحقیق کیفی، به بررسی موانع رشد و راهکارهای بالقوه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نوظهور پرداخته‌اند. جامعه آماری شامل مالکان، مدیران، کارکنان، مشاوران و کارشناسان حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کارآفرین است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزارهای گردآوری داده شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده و بررسی اسناد بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موانعی چون مشکلات مالی، ضعف زیرساخت‌ها، ناکارآمدی مدیریتی و وجود فساد از مهم‌ترین دلایل شکست این دسته از کسب‌وکارها به‌شمار می‌روند. به‌ویژه، کمبود منابع مالی در مراحل راه‌اندازی، اصلی‌ترین مانع موفقیت این کسب‌وکارها معرفی شده است.

احدی و همکاران (۲۰۲۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل زمینه‌ای مؤثر بر قصد کارآفرینی در شرکت‌های کوچک و متوسط: مطالعه موردی ایران» به بررسی تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی بر قصد کارآفرینی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها انجام شده و جامعه آماری آن شامل کارآفرینان و فعالان حوزه کسب‌وکار است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل اسناد و متون مرتبط بوده است. نتایج این مطالعه سه دسته عوامل درونی، بیرونی و شخصی را به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری قصد کارآفرینانه شناسایی می‌کند. همچنین، موانعی همچون کمبود منابع، چالش‌های اقتصادی و عدم دسترسی به حمایت‌های لازم مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در مقابل، ساختار سازمانی مناسب، سیاست‌گذاری‌های عمومی مؤثر، نقش رسانه‌های اجتماعی، آموزش و مهارت‌های نرم به‌عنوان عوامل تسهیل‌گر توسعه کارآفرینی معرفی شده‌اند.

هنائو گارسیا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «کارآفرینی سازمانی، منابع، قابلیت‌ها و عوامل نهادی: تحلیلی برای بازارهای نوظهور» از روش تحقیق ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده کرده‌اند. جامعه آماری شامل مدیران و کارکنان سازمان‌های فعال در بازارهای نوظهور و کارشناسان حوزه کارآفرینی بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و بررسی اسناد سازمانی بوده است. در این پژوهش، از دو دیدگاه نظری بهره گرفته شده است: نظریه مبتنی بر منبع برای بررسی عوامل داخلی مانند مهارت‌ها، شایستگی‌ها، قصد و تجربه کارآفرینی،

1. Khan

2. Henao-García

شبکه‌های شخصی و شناسایی فرصت‌ها؛ و نظریه نهادی برای تحلیل عوامل خارجی نظیر ترس از شکست، تأثیر رسانه‌ها و آموزش. نتایج نشان داد که تمامی عوامل داخلی و یکی از عوامل بیرونی (تحصیلات)، احتمال گرایش به فعالیت‌های کارآفرینانه را افزایش می‌دهند. جالب آن که در برخی کشورهای مورد مطالعه، داستان‌های رسانه‌ای در مورد کسب‌وکارهای موفق جدید، اثر بازدارنده بر پیگیری کارآفرینی سازمانی داشته‌اند.

وانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی توصیفی-تحلیلی به بررسی بزرگ‌ترین موانع رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. جامعه آماری شامل صاحبان کسب‌وکار، مدیران سازمان‌های پشتیبان و کارشناسان اقتصادی بوده و نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه و مصاحبه بوده است. نتایج نشان داد که دسترسی به منابع مالی مهم‌ترین مانع رشد این شرکت‌هاست. عوامل تعیین‌کننده شامل اندازه، سن، نرخ رشد و نوع مالکیت شرکت‌ها بوده است. همچنین، نقش دولت در تأمین مالی کسب‌وکارها، به‌ویژه در حال توسعه، حیاتی ارزیابی شده است. در این راستا، موانع تأمین مالی خارجی عمدتاً به هزینه بالای استقراض و نبود خدمات مشاوره‌ای مؤثر بازمی‌گردد.

ذوقی و همکاران (۱۴۰۳) با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و نظریه داده‌بنیاد، چارچوبی برای سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی سازمانی مبتنی بر ابعاد نهادی طراحی کرده‌اند. جامعه آماری شامل مدیران، کارشناسان و کارکنان سازمان‌های دولتی و خصوصی فعال در این حوزه است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های عمیق و بررسی اسناد سازمانی بوده است. یافته‌ها نشان داد که سیاست‌های مرتبط با دسترسی به منابع مالی، سیاست‌های انگیزشی، ارزیابی محیط کسب‌وکار، سیاست‌های فرهنگی و قانونی همگی تحت تأثیر ابعاد رسمی، غیررسمی، قانونی-تنظیمی، شناختی و هنجاری قرار دارند و نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه کارآفرینی ایفا می‌کنند.

ابراهیم‌آبادی و داوری (۱۴۰۲) در پژوهشی با رویکرد تحلیل محتوای کیفی به واکاوی پیاده‌سازی خط‌مشی‌های توسعه کارآفرینی در ایران پرداخته‌اند. جامعه آماری شامل اسناد قانونی و مقررات مرتبط با کارآفرینی و مصاحبه با سیاست‌گذاران و مجریان این حوزه است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ابزار گردآوری داده‌ها شامل فیش‌برداری و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دولت‌ها نقش کلیدی در ایجاد بسترهای حمایتی برای توسعه کارآفرینی دارند. مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیاده‌سازی این خط‌مشی‌ها شامل: الف) استانداردسازی و تدوین شیوه اجرا، ب) مشارکت مجریان و

کارآفرینان در اجرا، ج) نظام ارزیابی و نظارت مؤثر، د) بازخورد و تطبیق با محیط اجرایی، ه) محرک‌های محیطی، اراده سیاسی و فرهنگ‌سازی، و) توانمندی، مسئولیت‌پذیری، ثبات و آموزش مجربان بوده‌اند.

خرسندی و داوری (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی با روش تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) به طراحی الگوی توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان با رویکرد کارآفرینانه پرداخته‌اند. جامعه آماری این مطالعه شامل خبرگان، مدیران و کارآفرینان شرکت‌های دانش‌بنیان است که با روش نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های عمیق و پرسشنامه بوده است. یافته‌ها نشان داد که شرایط تحریمی تأثیر قابل توجهی بر فعالیتهای کارآفرینانه شرکت‌ها داشته است. در میان عوامل داخلی، مواردی همچون انتقال فناوری، نوآوری، تحقیق و توسعه، فناوری‌های نوظهور، تیزهوشی کسب‌وکار و قدرت تأمین‌کنندگی اهمیت بالایی داشته‌اند. در بعد خارجی نیز آزادی اقتصادی، نبود خشونت، قوانین و مقررات دولتی، مشوق‌های مالیاتی، اندازه دولت و خط‌مشی‌های کلان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد کسب‌وکارها ارزیابی شده‌اند. پژوهش تأکید دارد که توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان نقش مهمی در تحول بازار و پویایی اقتصاد مدرن دارد.

ثنائی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) به تحلیل محتوای سیاست‌های توسعه کارآفرینی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور پرداختند. برنامه‌های توسعه به‌عنوان اسناد هدایت‌گر و بالادستی، نقش اساسی در جهت‌دهی به اقدامات اجرایی دولت دارند. در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی و رویکرد قیاسی مقوله‌ها، مفاد این اسناد مورد بررسی قرار گرفت. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر مدل «الفبای کارآفرینی» دیده‌بان جهانی کارآفرینی بود که سه مؤلفه «ایجاد نگرش‌های کارآفرینانه»، «بروز رفتارهای کارآفرینانه» و «بهبود نتایج کارآفرینانه» را دربر می‌گیرد. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور بود و تحلیل داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد.

غیور باغبانی و همکاران (۱۳۹۹) نیز با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سازمانی، از روش تحقیق پیمایشی و رویکرد کمی استفاده کردند. جامعه آماری این پژوهش شامل کارکنان و مدیران سازمان‌های مختلف بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی شامل سه بُعد اصلی است: بُعد ساختاری (ساختار کارآفرینانه، ارزیابی عملکرد، نظام تحقیق و توسعه، و استراتژی سازمانی)، بُعد رفتاری (شرایط کارکنان و مدیریت یکپارچه کارآفرینی) و بُعد زمینه‌ای (حمایت از اسناد بالادستی و وجود محیط کارآفرینانه).

ثنائی‌پور (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر، به تبیین مبانی فکری سیاست‌گذاری کارآفرینی پرداخت. وی با اشاره به اینکه سیاست‌گذاری در حوزه کارآفرینی به‌عنوان یک حوزه نوظهور هنوز به‌درستی توسعه نیافته است، تلاش نمود تا با استفاده از روش تحقیق کیفی و رویکرد تحلیل اسنادی، به دسته‌بندی پارادایم‌ها و رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری کارآفرینی بپردازد. در این پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که بیشتر سیاست‌های موجود با هدف حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط طراحی شده‌اند و به موضوع توسعه کارآفرینی به‌عنوان یک هدف راهبردی مستقل توجه نشده است. بنابراین، ایجاد بینشی صحیح و درک مشترک از مفهوم سیاست کارآفرینی، امری ضروری و بنیادی تلقی می‌شود.

شرافتی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) نیز به طراحی مدل کارآفرینی سازمانی در صنایع نساجی ایران پرداختند. پژوهش آنان به‌صورت ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران، کارشناسان و فعالان صنعت نساجی کشور بود که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهایی چون عوامل سیاسی-اقتصادی، ساختارهای نهادی و بازرگانی، شرایط فرهنگی و اجتماعی، بازاریابی کارآفرینانه و تخصص در صنعت، نقش مؤثری در توسعه کارآفرینی سازمانی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها بر اهمیت تدوین سیاست‌های هماهنگ و ایجاد بسترهای حمایتی برای ارتقای کارآفرینی در بخش صنایع نساجی تأکید دارند.

داوری (۱۳۹۷) به بررسی سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی با تمرکز بر نظریه‌ها و تجربیات کشورهای مختلف پرداخته است. وی کارآفرینی را مفهومی چندبعدی در حوزه سیاست‌گذاری و پژوهش دانسته که در برخی موارد با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مترادف تلقی شده است. در این مطالعه، سیاست‌هایی همچون مقررات و قوانین مرتبط، تسهیل فرآیندهای اداری، نظام مالیاتی، اعطای وام، ارائه خدمات مشاوره‌ای، اطلاع‌رسانی، ایجاد زیرساخت‌های مناسب و حمایت‌های مالی به‌عنوان سیاست‌های کلیدی توسعه کارآفرینی معرفی شده‌اند. همچنین در این تحقیق، الگوها، نظریه‌ها و رویکردهای سیاست‌گذاری به‌صورت تطبیقی میان کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

شیراوند و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر عوامل نهادی رسمی و غیررسمی بر توسعه کارآفرینی و نقش آن در رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، عوامل نهادی رسمی شامل کنترل فساد و حاکمیت قانون، و عوامل غیررسمی شامل درک قابلیت‌های کارآفرینانه و ترس از شکست در نظر گرفته شده‌اند. داده‌ها با استفاده از روش حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای تحلیل شده و نتایج نشان داد که کنترل فساد و حاکمیت قانون تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه

کارآفرینی دارند، در حالی که ترس از شکست تأثیری منفی و بازدارنده بر آن دارد. داوری و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی دیگر، به بررسی تأثیر سیاست‌های کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی پرداختند. روش تحقیق این مطالعه همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل کارآفرینان و مدیران کسب‌وکارهای نوپا بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و مدل ارائه‌شده در این تحقیق شامل سه بخش است: ۱) سیاست‌های توسعه کارآفرینی (شامل حمایت مالی، آموزش و ترویج، خدمات پشتیبانی، حمایت از گروه‌ها، تدوین راهبرد، توسعه شرکت‌ها)، ۲) سیاست‌های محیط کسب‌وکار (شامل زیرساخت‌های عمومی، ثبات اقتصاد کلان، نظام مالی، نهادها، بازار خدمات و کالا، بهداشت و آموزش، نظام فناوری)، و ۳) توسعه کارآفرینی در ابعاد بلندمدت و کوتاه‌مدت.

همچنین داوری و همکاران (۱۳۹۴) به سیاست‌های کلان مؤثر بر توسعه کارآفرینی با تکیه بر الگوهای محیط کسب‌وکار پرداخته‌اند. مدل مفهومی این پژوهش شامل عوامل کلیدی نظیر بازار مالی، ثبات اقتصاد کلان، عوامل نهادی و قانونی، نوآوری، تحقیق و توسعه، توسعه منابع انسانی، زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری، فناوری و بازار خدمات و کالاهاست. این مطالعه با روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است. جامعه آماری شامل کارشناسان اقتصادی، سیاست‌گذاران و کارآفرینان موفق بوده که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که سیاست‌های کلان مؤثر بر توسعه کارآفرینی در وضعیت بازدارنده قرار دارند و نیازمند بازنگری و اصلاح جدی‌اند.

سیدی و همکاران (۱۳۹۰) به شناسایی موانع توسعه کارآفرینی و بررسی نقش دولت در تسهیل آن پرداخته‌اند. روش تحقیق این مطالعه، توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل کارآفرینان، مدیران کسب‌وکارها و مسئولان دولتی مرتبط است. نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی تصادفی انجام شده و ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه و مصاحبه بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که موانع توسعه کارآفرینی را می‌توان در سه دسته عمده طبقه‌بندی کرد؛ موانع آموزشی و فرهنگی (نظیر ضعف نظام آموزش عالی، ریسک‌گریزی، انتظارات از دولت، نگرش منفی به ثروت و عدم توجه به توانمندسازی افراد)، نبود عوامل انگیزشی (شامل فقدان الگوهای رفتاری مناسب، نبود شبکه‌های حمایتی روحی و تخصصی، و نبود تضمین برای بقای شغل)، موانع ساختاری در مرحله جهش (از جمله انحصار دولتی و عدم امنیت مالکیت خصوصی). این یافته‌ها بر نقش کلیدی دولت در اصلاح سیاست‌ها و فراهم‌سازی بسترهای حمایتی برای توسعه کارآفرینی تأکید دارند.

انصاری و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی عوامل محیطی مؤثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه کارآفرینان کشور پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کسب و کارهای کوچک به واسطه نقش آفرینی در اشتغال‌زایی، ترویج نوآوری و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. از این‌رو، تمایل به کارآفرینی در سطح جهانی گسترش یافته است. توسعه کارآفرینی تنها در سایه ارتقاء فرهنگ کارآفرینی و افزایش سطح فعالیت‌های کارآفرینانه محقق می‌شود. با وجود رشد تعداد کسب و کارهای نوآورانه در ایران طی سال‌های اخیر، نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه در کشور همچنان پایین‌تر از میانگین جهانی است. در این راستا، شناسایی عوامل محیطی مؤثر بر توسعه کارآفرینی می‌تواند به طراحی سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های راهبردی برای ارتقاء فعالیت‌های کارآفرینانه کمک کند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل جمعیتی، نقش دولت، عوامل سیاسی داخلی و خارجی، تجربه فردی کارآفرینان، نقش بخش خصوصی و پیشرفت‌های فناورانه تأثیر بسزایی بر توسعه کارآفرینی دارند.

با وجود مطالعات متعدد در زمینه سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی، مرور نظام‌مند این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون مدل جامع و کارآمدی که بتواند به‌صورت یکپارچه و کاربردی، ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی این حوزه را در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران شناسایی و تبیین کند، ارائه نشده است. در حالی که هر یک از تحقیقات پیشین به بررسی بخشی از مؤلفه‌ها یا عوامل نهادی مرتبط با کارآفرینی سازمانی پرداخته‌اند و از رویکردهای متنوعی برای پیاده‌سازی پژوهش بهره گرفته‌اند، اما تاکنون چارچوبی منسجم و عملیاتی که بتواند راهنمایی مؤثر برای سیاست‌گذاران و مدیران این کسب و کارها باشد، شکل نگرفته است. این کاستی به‌ویژه در شرایط فعلی اقتصاد ایران که با چالش‌هایی نظیر تحریم‌ها، نوسانات اقتصادی، و کمبود منابع مواجه است، به‌عنوان یک خلأ جدی در ادبیات پژوهشی و نیاز عملیاتی احساس می‌شود.

ریشه این خلأ را می‌توان در چند عامل اصلی جستجو کرد؛ نخست آنکه بسیاری از مطالعات انجام‌شده به‌صورت منفک و جداگانه به بررسی مؤلفه‌ها پرداخته‌اند و فاقد رویکردی سیستمی و جامع‌نگر بوده‌اند. این در حالی است که تعامل و هم‌افزایی میان عوامل مختلف، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری موفقیت کارآفرینی سازمانی ایفا می‌کند. دوم، بخش قابل توجهی از مدل‌های موجود، مبتنی بر تجربیات کشورهای توسعه‌یافته طراحی شده‌اند که با واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و نهادی ایران سازگاری کافی ندارند. سوم، اغلب پژوهش‌ها به رویکردهای نظری و انتزاعی بسنده کرده و فاقد راهکارهای عملیاتی و اجرایی برای توسعه

کارآفرینی در فضای واقعی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بوده‌اند. از سوی دیگر، نبود یک پژوهش جامع که بتواند به‌طور نظام‌مند چالش‌ها و موانع کارآفرینی سازمانی را در سازمان‌های کوچک و متوسط تولیدی کشور شناسایی و طبقه‌بندی کند، خود به‌عنوان مانعی برای تدوین سیاست‌های مؤثر در این حوزه عمل می‌کند. گرچه برخی از پژوهش‌ها به‌طور محدود به مشکلات عمومی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران پرداخته‌اند، اما تاکنون هیچ مطالعه‌ای به‌طور خاص و جامع به چالش‌های مرتبط با کارآفرینی سازمانی در این بنگاه‌ها نپرداخته است.

نبود این اطلاعات دقیق و جامع، موجب می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران نتوانند برنامه‌ها و سیاست‌های هدفمند و مؤثری را برای ارتقاء ظرفیت کارآفرینی سازمانی طراحی و اجرا نمایند. این شکاف دانشی و عملیاتی در شرایط فعلی اقتصاد کشور، که با فشارهای خارجی، محدودیت‌های مالی و موانع نهادی مواجه است، از اهمیت مضاعفی برخوردار بوده و مستلزم توجه ویژه از سوی جامعه علمی و نهادهای سیاست‌گذار است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مطالعه، از منظر هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی؛ و از حیث شیوه جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی - فراترکیبی است. در این پژوهش از روش فراترکیب استفاده شده که مبتنی بر مرور سیستماتیک مطالعات و تحقیقات کتابخانه‌ای به‌منظور دستیابی به درک و شناختی عمیق پیرامون پدیده مورد مطالعه است.

روش فراترکیب، نوعی پژوهش نظام‌مند بر مبنای تلفیق یافته‌های مطالعات کیفی پیشین به شمار می‌رود. با این حال، این فرایند صرفاً به مرور یکپارچه ادبیات و تحلیل داده‌های ثانویه و اولیه اکتفا نمی‌کند؛ بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر با نگاهی دقیق و تحلیلی، به بازخوانی انتقادی و ترکیب هدفمند نتایج مطالعات پیشین پردازد تا بتواند به دیدگاهی جامع، منسجم و جدید درباره موضوع منتخب تحقیق دست یابد (زیمر، ۲۰۰۶).

با توجه به هدف تحقیق حاضر که دستیابی به شناختی جامع از یافته‌های موجود در ادبیات موضوعی و پاسخ به سؤال پژوهش بر پایه تحلیل مطالعات پیشین است، روش فراترکیب مناسب‌ترین گزینه برای انجام این مطالعه محسوب می‌شود.

در این راستا، برای انجام فرایند فراترکیب، از الگوی هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و بارسو بهره گرفته شده است. شکل ۱ این مراحل هفت‌گانه را به‌صورت خلاصه نمایش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل نتایج تحقیق مطالعات پیشین مرتبط با موضوع و هدف تحقیق طبق روش فرا ترکیب با بهره‌مندی از الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷) مطابق با گام‌های زیر انجام شده است.



شکل ۱. مراحل اجرایی روش فراترکیب سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)

گام اول) تنظیم سؤالات تحقیق؛ برای تنظیم سوال تحقیق، از یک الگوریتم ۴ سوالی استفاده می‌گردد. پارامترهای "چه چیزی، چه کسی یا جامعه مورد مطالعه، محدودیت زمانی و چگونگی روش" طبق جدول ۱ استفاده شده است.

جدول ۱. تنظیم سوال تحقیق

پارامترهای پرسشی	پاسخ سوال
چه چیزی	ارائه مدل سیاستگذاری کارآفرینی سازمانی با تاکید بر عوامل نهادی
چه کسی (جامعه مطالعه)	متون پژوهش‌های گذشته، منبع اطلاعات و داده‌ها، تمام رشته‌ها، شاخه‌ها و زمینه‌های علمی و پژوهشی موجود در پایگاه داده، مجلات در رابطه با موضوع تحقیق حاضر
محدودیت زمانی	در این تحقیق سعی شده تا مطالعات مرتبط با موضوع تحقیق به صورت دقیق تحلیل شود. از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۵ / ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۴ بررسی شدند.
چگونگی روش	نحوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت داده‌های ثانویه است. مقالات انتخاب شده با حوزه در دست بررسی بیشترین هم‌پوشانی را دارند.

گام دوم) مرور ادبیات به شکل نظام‌مند؛ براساس راهبرد بیان شده در جدول ۲، مقالات منتشر شده در مجلات معتبر و پایگاه داده‌ها، در این مطالعه بررسی شده است. کلید واژه‌های منتخب برای جست و جوی و یافتن مقالات در پایگاه‌های علمی در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۲. راهبرد تحقیق برای جست و جوی نظام‌مند مقالات

عنوان	معیار پذیرش
زبان تحقیقات	انگلیسی و فارسی
زمان مطالعات	مقالات منتشر شده از سال ۲۰۰۱ تا ۱۳۸۸ / ۲۰۲۵ تا ۱۴۰۴
روش‌های مورد مطالعه	روش‌های کیفی جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها
نوع مقالات	مقالات منتشر شده خارجی و داخلی در مجلات معتبر، کتاب‌ها، کنفرانس‌ها

سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی با استفاده از کلید واژه‌های تعیین شده	موضوعات مورد مطالعه
پایگاه‌های وب آف ساینس، اسکپوس، ساینس دایرکت، گوگل اسکولار، نورمکز، امرالد، سیویلیکا، مگیران، نورمگز، تیلور، وایلی	جامعه آماری

جدول ۳. کلید واژه‌های منتخب برای جستجو

فارسی	انگلیسی
توسعه کارآفرینی	Entrepreneurship Development
کارآفرینی سازمانی	Corporate Entrepreneurship
چالش‌های کارآفرینی سازمانی	Corporate Entrepreneurship Challenges
سیاست‌گذاری	Policymaking
عوامل نهادی	Institutional Factors

گام سوم) جستجو و انتخاب متون مناسب؛ طبق کلید واژه‌ها تعیین شده و پایگاه‌های داده علمی مدنظر، ۱۵۰ یافت شد. در این مرحله و براساس فرایند تحقیق، با بررسی مقالات یافته شده از نظر محتوای و مضمون مرتبط، روش و اجرای تحقیق و خروجی‌های ارائه شده، به پالایش و حذف مقالات نامرتب اقدام شد. شکل ۲ خلاصه‌ای از فرایند بررسی را نشان داده است.



شکل ۲. فرایند جستجو و انتخاب مقاله‌ها

گام چهارم) استخراج اطلاعات متن‌ها؛ در این مرحله مقالات انتخاب و نهایی شده، به صورت مکرر مطالعه شدند و به منظور رسیدن به یافته‌ها، بطور مستمر بررسی گردیدند. که به منظور استفاده در گام بعدی اطلاعات مرتبط به هر یک از مقاله‌ها شامل مولفه‌ها، نویسنده و سال انتشار استخراج و نتایج آن در جدول ثبت شد.

گام پنجم) تحلیل و تجزیه، ترکیب نتایج کیفی؛ در این مرحله، نخست برخی از کدهای فرعی (اولیه) بدست آمده از گام چهارم که دارای مفهوم و معنای مشابه بودند و با همدیگر

هم پوشانی داشتند ادغام شدند و سپس کدهای نهایی با توجه به مشابهت معنایی و کاربردی، به همراه کدهای مشابه خود طبقه بندی شدند و کدهای محوری (تم‌ها) را ایجاد کردند. ابعائد اصلی، کدهای محوری و کدهای فرعی در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۴. دسته بندی ابعاد اصلی، کدهای محوری و فرعی

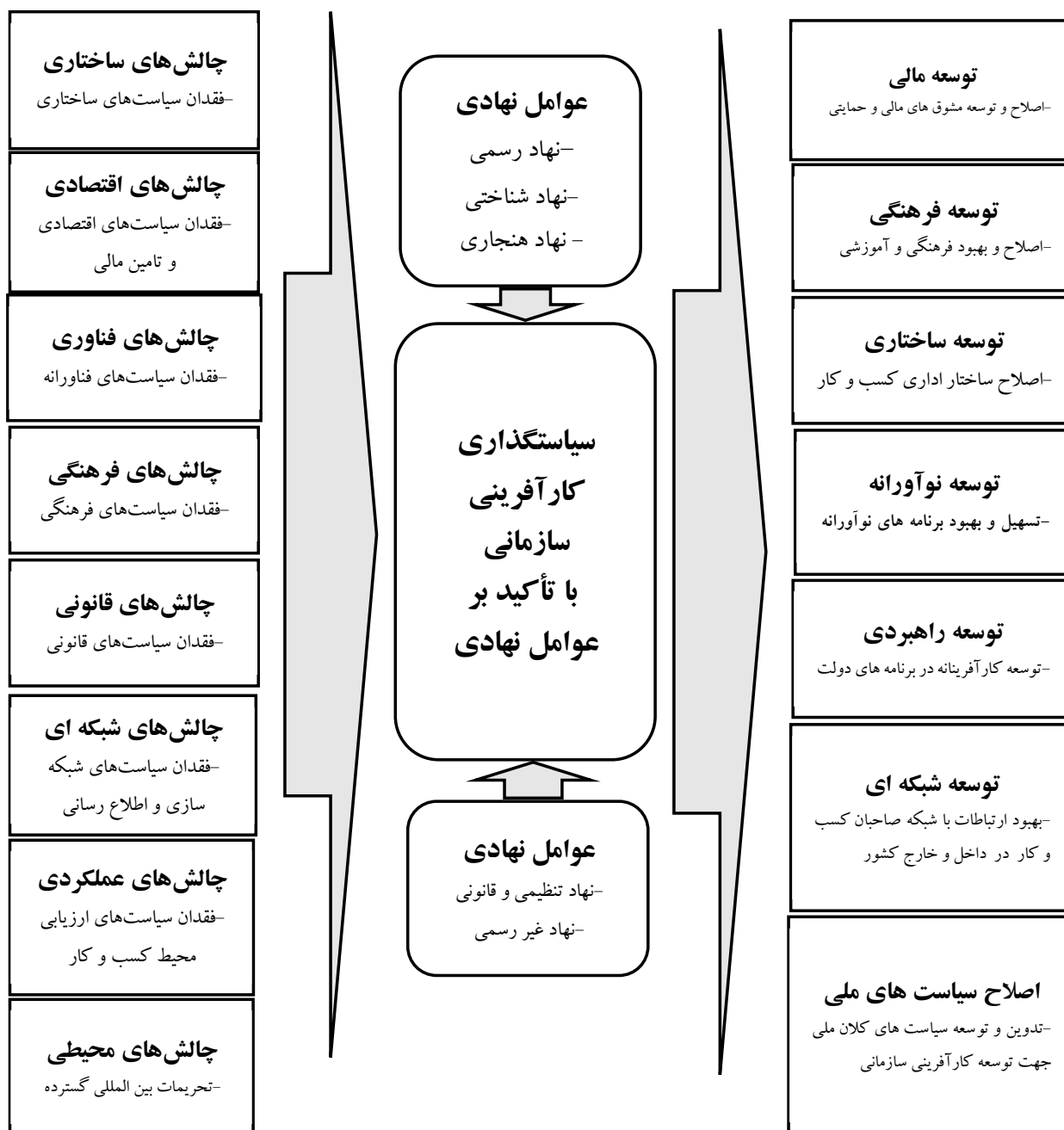
ابعاد اصلی	کدهای محوری	کدهای فرعی (اولیه)	منابع
چالش‌های ساختاری	فقدان سیاست‌های ساختاری	فقدان مشوق‌های مالیاتی، فقدان سلسله‌مراتب سازمانی، عدم وجود روش‌های کارآمد در اداره‌ها، فقدان مشارکت خلاقیت افراد	کیون و همکاران، ۲۰۲۳؛ گومز-هارو و همکاران، ۲۰۱۱
چالش‌های اقتصادی	فقدان سیاست‌های اقتصادی و تأمین مالی	کمبود منابع مالی، جهانی شدن، فقدان آزادی اقتصادی، وجود شرایط برابر در بازار، عدم دسترسی به وام، فرشتگان کسب و کار، عدم دسترسی به سرمایه‌گذاران خطرپذیر، بازارهای سهام	وناکر و همکاران، ۲۰۲۱؛ سیدی، ۱۳۹۰؛ نیف و همکاران، ۲۰۲۲
چالش‌های فناوری	فقدان سیاست‌های فناوری	عدم وجود انکوباتورها با فناوری بالا، وجود ساختارهای مختلط در انتشار نوآوری، عدم وجود ارتباط بین نهادهای عمومی	کندیسی و همکاران، ۲۰۲۴؛ میثمی و همکاران، ۱۳۹۶؛
چالش‌های فرهنگی	فقدان سیاست‌های فرهنگی	عدم وجود مالکیت فکری، نبود پرورش تفکر ریسک‌پذیری، نداشتن تمایل به خلق تفکر کارآفرینانه	وی و همکاران، ۲۰۲۴؛ ثنائی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸؛ آبدیسا و همکاران، ۲۰۲۱
چالش‌های قانونی	فقدان سیاست‌های قانونی	قوانین بازار کار، قوانین ورشکستگی، مالیات‌های خارجی، مالیات بر درآمد، الزامات اداری	سیدی، ۱۳۹۰؛ برجانی و همکاران، ۲۰۲۳؛ عالم و همکاران، ۲۰۲۴؛
چالش‌های شبکه‌ای	فقدان سیاست‌های شبکه سازی و اطلاع رسانی	فقدان ارتباط میان کارآفرینان، فقدان تشویق طرح‌های یخخش خصوصی،	کیون و همکاران، ۲۰۲۳؛ خرسندی و همکاران، ۱۴۰۱
چالش‌های عملکردی	فقدان سیاست‌های ارزیابی محیط کسب و کار	فقدان انتقال درست یافته‌های تحقیق و توسعه دولت به سازمان‌ها، عدم حمایت دولت، فقدان وجود ساختارهای تخصصی و حرفه‌ای	کیون و همکاران، ۲۰۲۳؛ داوری و همکاران، ۱۳۹۷؛ میثمی، ۱۳۹۶
چالش‌های محیطی	تحریمات بین‌المللی گسترده	کاهش تجارت دو جانبه، تشدید مشکلات مدیریتی و کشور، تزلزل سیاست‌های ساختاری و مدیریتی، فلج شدن سیستم بانکی، رکورد بازارهای داخلی، تشدید اقتصاد واسطه‌گری، آشفستگی بازار	خان و همکاران، ۲۰۲۲؛ خرسندی و همکاران، ۱۴۰۱؛ انصاری، ۱۳۸۸

هلمز و همکاران ۲۰۱۶، نورث، ۱۹۹۰، کارا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تونیگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وان آکر و همکاران، ۲۰۲۱	قوانین و مقررات اساسی، کمک‌های مالی و غیر مالی، مهارت‌های کارآفرینی، رویه‌ها و سیاست‌های دولت	نهاد رسمی	
هلمز و همکاران ۲۰۱۶، نورث، ۱۹۹۰، کارا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تونیگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وان آکر و همکاران، ۲۰۲۱	اطلاع‌رسانی، بستر سازی آموزشی و فرهنگی،	نهاد شناختی	
هلمز و همکاران ۲۰۱۶، نورث، ۱۹۹۰، کارا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تونیگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وان آکر و همکاران، ۲۰۲۱	نمایشگاه‌های مرتبط با کارآفرینی، اعطای جوایز	نهاد هنجاری	عوامل نهادی
هلمز و همکاران ۲۰۱۶، نورث، ۱۹۹۰، کارا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تونیگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وان آکر و همکاران، ۲۰۲۱	اصلاحات اداری، کمک‌های مالی، برنامه ریزی کارآفرینی، سهولت در راه اندازی کسب و کار، سهولت در خاتمه کسب و کار	نهاد تنظیمی و قانونی	
هلمز و همکاران ۲۰۱۶، نورث، ۱۹۹۰، کارا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تونیگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ وان آکر و همکاران، ۲۰۲۱	ارزش‌های فرهنگی، هنجارهای رفتاری، آداب و رسوم	نهاد غیر رسمی	
هلوا و همکاران، ۲۰۲۲؛ حسینی، ۱۳۹۴؛ داوری و همکاران، ۱۳۹۷	ضمانت اعتباری، پرداخت وام‌های بلند مدت، تسهیل دسترسی به وام‌های کوچک، ارائه طرح‌های تخفیف مالیاتی، تاسیس صندوق حمایت از کارآفرینان، دسترسی به سرمایه خطر پذیر	اصلاح و توسعه مشوق‌های مالی و حمایتی	توسعه مالی
نییف و همکاران، ۲۰۲۲؛ برجانی و همکاران، ۲۰۲۳	نقد برنامه‌های حمایت دولت، برگزاری سمینارها، اطلاع‌رسانی شفاف قوانین، برگزاری دوره‌های کارآفرینی	اصلاح و بهبود فرهنگی و آموزشی	توسعه فرهنگی
داوری و همکاران، ۱۳۹۵؛ وی و همکاران، ۲۰۲۴	حضور شرکت‌های خارجی کارآمد، افزایش میزان جذب سرمایه‌گذاران خارجی بطور مستقیم، ایجاد ثبات در سیاست‌های و شاخص‌های کلان اقتصادی	تقویت و بهبود زیر ساخت‌های مرتبط	توسعه زیر ساختی
عبدی، ۲۰۲۰؛ هنائو گارسیا و همکاران، ۲۰۲۰؛ اونیلوو و همکاران، ۲۰۲۴	اصلاح قوانین مالیاتی، اخذ تدابیری برای رفع موانع بوروکراتیک، حذف موازی کاری، ایجاد مراکز پنجره واحد سرمایه‌گذاری، اصلاحات نهادی برای مبارزه با فساد	اصلاح و بهبود ساختاری اداری کسب و کار	توسعه ساختاری
دایاس و همکاران، ۲۰۲۳؛ کیون و همکاران، ۲۰۲۳	شکل‌گیری بازارهای نوآورانه و جدید، تخصیص و تامین نوآورانه منابع مالی، جهت‌دهی و هدایت تحقیقات، توسعه و خلق دانش	تسهیل و بهبود برنامه‌های نوآورانه	توسعه نوآورانه

توسعه راهبردی	توسعه کارآفرینانه در برنامه‌های دولت	ارتقاء سرمایه و اشتغال زایی، ارائه محصولات با ارزش افزوده، ارتقاء سطح رضایت مندی ذی نفعان، حضور و شناسایی در بازارهای هدف، هم‌افزایی با سایر کسب و کارها، افزایش سطح رقابت، استفاده از هوش تجاری و فناوری اطلاعات، هم‌راستای با برنامه‌های اقتصادی/سیاسی/اجتماعی	داوری و همکاران، ۱۳۹۴؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۲۲؛ برجانی و همکاران، ۲۰۲۳؛
توسعه شبکه‌ای	بهبود ارتباطات با شبکه صاحبان کسب و کار در داخل و خارج از کشور	سرمایه‌گذاری مشترک، هماهنگی سازی مهارت‌ها ارتباطی با دانش شرکاء، توسعه مدیریت روابط، توسعه ارتباط با کسب و کارهای خارجی جهت جذب سرمایه، توسعه همکاری راهبردی	وی و همکاران، ۲۰۲۴؛ فریرا و همکاران، ۲۰۲۳؛ داوری و همکاران، ۱۳۹۶؛
اصلاح سیاست‌های ملی	تدوین و توسعه سیاست‌های کلان ملی جهت توسعه کارآفرینی سازمانی	کنترل تورم، تدوین سیستم مالیاتی کارآمد، تدوین سیاست‌های ضد انحصار و رقابت در دسترسی به منابع مالی، نرخ بهره پایین، افزایش امنیت اقتصادی	داوری و همکاران، ۱۳۹۴؛ عمری و همکاران، ۲۰۲۴؛ زبیروفسکی، ۲۰۲۰

گام ششم) کنترل کیفیت؛ در این مرحله، جهت سنجش کیفیت یافته‌ها از شاخص کاپا استفاده شده است. شاخص کاپا زمانی استفاده می‌شود که دو رتبه‌دهنده پاسخ‌ها را رتبه بندی می‌نمایند و قصد سنجش میزان توافق این دو رتبه دهنده را دارند. در مراحل استخراج عوامل، مفاهیم گذشته به عنوان کد در نظر گرفته شدند و با در نظر گرفتن شباهت‌های مفهومی، موقله‌های جدید شناسایی شدند. از این رو، جهت کنترل مفاهیم استخراجی، از مقایسه نظر محقق با یک خبره استفاده شده است. شاخص کاپا بین صفر تا یک نوسان دارد. هر چه مقدار سنج به یک نزدیکتر باشد. بیانگر این است که توافق بین رتبه دهنده‌گان بیشتر است. مقدار شاخص با استفاده از نرم افزار اس پی اس در سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار ۰/۷۶۴ بدست آمده، با توجه به کوچک تر بودن عدد معناداری از ۰/۰۵، فرض استقلال مقوله‌های استخراجی رد می‌شود و استخراج کدها از پایایی مناسبی برخوردار است.

گام هفتم) ارئه یافته‌ها؛ آخرین مرحله از روش هفت مرحله‌ای فراترکیب، یافته‌های حاصل از مراحل قبلی با وجه به سوال تحقیق ارائه شده است. در این مرحله با استفاده از سوال تحقیق و همچنین نتایج اراه شده، یک مدل جدید ارائه شد که شامل هشت مقوله سیاستگذاری (با هشت مفهوم و ۳۷ کد)، یک مقوله عوامل نهادی (با پنج مفهوم و ۱۶ کد)، هشت مقوله نتایج توسعه کارآفرینی سازمانی (با ۸ مفهوم و ۳۷ کد) به دست آمد.



شکل ۳. مدل سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی (منبع: یافته‌های تحقیق)

بحث و نتیجه‌گیری

در طی سال‌های اخیر، موضوع کارآفرینی سازمانی رشد چشمگیری به همراه داشته است و به‌عنوان یک راهبرد به‌منظور تسهیل اقدامات سازمان‌ها جهت نوآوری و مواجهه با حقایق رقابتی بازار جهان بسیار مورد توجه واقع شده است. کارآفرینی سازمانی به‌جای اینکه به دنبال فرصت‌ها باشند، فرصت‌ها را در زمانی که رخ می‌دهد، شناسایی و کشف می‌نماید (دایس، ۲۰۲۳). علاوه بر این، موضوع سیاست‌گذاری در راستای افزایش خوداشتغالی، توسعه کسب‌وکارها در راستای رسیدن به هدف‌های رفاه و توسعه اقتصادی است (فونکو و همکاران،

۲۰۲۳).

در نتیجه، سیاست‌های کشورها به سمت اجرای فعالیت‌های کارآفرینانه گرایش دارند. لذا توسعه کارآفرینی بهتر از عدم توسعه آن است. کارآفرینی سازمانی به‌عنوان یک مبحث مهم در سیاست‌های عمومی به‌منظور اشتغال‌زایی و ارتقاء رشد مورد توجه است. اکثر دولت‌های منطقه‌ای و ملی به‌منظور تسریع توسعه کارآفرینی برنامه‌های جدیدی را پیاده‌سازی و در تدوین قوانین خود تغییراتی را اعمال نموده‌اند. پایه این سیاست‌ها کاهش و حذف چالش‌ها و تشویق به کارآفرینی هست (آراگاو و همکاران، ۲۰۲۴).

علاوه بر این، عوامل نهادی می‌توانند در ایجاد انواع متفاوت توسعه کارآفرینی در شرایط مختلف تأثیرگذار باشند (کارا و همکاران، ۲۰۲۴). نهادها نقش مهمی در کاهش هزینه‌ها و عدم اطمینان در راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید ایفا می‌کنند و توسعه‌یافتگی آن‌ها با سطح توسعه اقتصادی کشورها ارتباط مستقیم دارد. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، چالش‌هایی نظیر فقدان سیاست‌های ساختاری، عدم ثبات اقتصادی و فقدان تامین مالی وجود دارند که منجر به مشکلاتی می‌شوند. در این شرایط، سازمان‌های کارآفرین تمایل کمتری به بهره‌مندی از فرصت‌ها داشته و ممکن است به دنبال رانت‌خواری و روش‌های غیرقانونی بروند (بوزاروفسکی و همکاران، ۲۰۲۴). عوامل نهادی تأثیر بسزایی در هدایت و حجم فعالیت‌های کارآفرینانه دارند و می‌توانند بر محیط کسب‌وکار کشور به‌طور منفی یا مثبت اثرگذار باشند (سندرا-پونز و همکاران، ۲۰۲۲).

با توجه به اهمیت نقش طراحی مدل سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی، این مطالعه به روش فرا ترکیب جهت بررسی ابعاد و نتایج انجام شد. مطالعات داخلی در این حوزه بسیار اندک و محدود بود. مطالعات خارجی نیز نتایج تحقیقات نشان دادند که صنایع مختلف در فرایند توسعه کارآفرینی سازمانی چالش‌ها و مشکلات زیادی مواجه‌اند. البته باید اذعان داشت که مشکلات توسعه کارآفرینی سازمانی به‌عنوان یک مسئله انکارناپذیر فقط مختص صنایع مذکور در ایران نیست بلکه به‌نوعی به‌طور پیوسته وجود خواهند داشت؛ اما آنچه مهم می‌باشد. نوع شکل برخورد کسب‌وکارها با چالش‌های توسعه کارآفرینی سازمانی، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جهت غلبه بر این چالش‌ها و توسعه کارآفرینی سازمانی به راه‌کارهای جدید نیاز دارند. با توجه به مشکلات و چالش‌های موجود در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران نیازمند داشتن یک مدل مناسب هستند. تحقیق حاضر، یک مدل منسجم از ابعاد اصلی، کدهای محوری و فرعی، پیامدها از سیاست‌گذاری کارآفرینی سازمانی با تأکید بر عوامل نهادی ارائه نمود که شامل ۱۷ مقوله، ۲۱ مفهوم و ۹۰ کد می‌باشد. همچنین با بررسی یافته‌ها با دیگر تحقیقات در این حوزه، اولاً جامعیت مؤلفه‌ها و ابعاد حاصله از تحقیق قابل نتیجه‌گیری است، ثانیاً مدل

ارائه‌شده امکان طبقه‌بندی بهتر مؤلفه‌ها را نیز فراهم نموده است. مهم‌ترین محدودیت تحقیق حاضر، عدم اعتقاد برخی از کارشناسان و مدیران به این موضوع به علیت فقدان وجود بافت بسترساز و زمینه آن در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و به تبع عدم همکاری، ارائه اطلاعات از سایر محدودیت‌های تحقیق بوده است. در ادامه به برخی از پیشنهادات کاربردی اشاره شده است که عبارتند از:

سیاست‌گذاران برای تقویت کارآفرینی باید در راستای توسعه‌ی روش‌های نوین تأمین مالی گام بردارند. این امر مستلزم تخصیص هدفمند سرمایه‌های خرد، تسهیل دسترسی به وام‌های کم‌بهره از طریق همکاری دولت و بانک‌ها، ارائه مشوق‌های مؤثر دولتی، و اصلاحات قانونی برای تسهیل همکاری بین سازمان‌های دولتی تاثیرگذار در این حوزه است. همچنین، باید با بازنگری و کاهش موانع مالیاتی و رویه‌ای، زمینه را برای ورود آسان‌تر کسب‌وکارها به بازار فراهم کرد.

کسب‌وکارهای کوچک و متوسط برای توانمندسازی کارکنان و شکوفایی اکوسیستم نوآورانه باید با فراهم‌سازی فرصت‌های ایده‌پردازی از طریق گروه‌های کاری و تکمیل ایده‌های نو با استفاده از نظرات متخصصان و مشاوران خارجی، ایجاد طرح‌های انکوباتوری برای دسترسی به خدمات تجمیع‌شده و حمایت مالی، و ترویج فرهنگ کارآفرینی قوی همراه با ایجاد سهام خصوصی، صنعت سرمایه‌گذاری خطرپذیر، شبکه‌های حمایتی با نهادهای دولتی، تیم‌های کوچک و مستقل نوآوری، مشارکت در اکوسیستم‌های نوآوری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تکنولوژی و دیجیتال، به پیشرفت و توسعه دست یابند.

به کارآفرینان پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی را با هدف کاهش موانع ورود به بازار و تسهیل شبکه‌سازی برای ترویج تعامل و مشارکت، و افزایش فرصت‌های یادگیری و مهارت‌های کارآفرینانه در اولویت قرار دهند. همچنین، ایجاد شبکه‌ای از حامیان معتمد و صادق در قالب یک بخش سازمانی برای نظارت مطمئن و دقیق بر اختراعات به دلیل فقدان امنیت در بخش مالکیت فکری ضروری است. علاوه بر این، استفاده از اهرم‌های غیرمالی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه نیز توصیه می‌شود.

به منظور تقویت کارآفرینی سازمانی و ایجاد ارزش پایدار در صنایع مختلف، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها به طراحی و راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتالی یکپارچه با رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی اقدام نمایند. این پلتفرم‌ها با ادغام اصول مسئولیت اجتماعی، از جمله مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، می‌توانند به عنوان یک پل ارتباطی مؤثر بین سازمان، جوامع محلی و سایر ذینفعان عمل کرده و فرصت‌های جدیدی برای کارآفرینی سازمانی ایجاد نمایند. این پلتفرم‌ها می‌توانند شامل بخش‌هایی نظیر ارائه اطلاعات شفاف در مورد فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی سازمان، ایجاد بستری برای دریافت و

پاسخگویی به بازخورد ذینفعان، ارائه فرصت‌های آموزشی و مهارتی برای جوامع محلی، و ایجاد یک بازارچه آنلاین برای محصولات و خدمات تولید شده توسط کسب‌وکارهای اجتماعی باشند.

علاوه بر این، توصیه می‌شود سازمان‌ها با ایجاد بسترهایی جهت هم‌افزایی و همکاری با استارت‌آپ‌های دارای اهداف اجتماعی، از جمله ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و شتاب‌دهنده‌ها، از استارت‌آپ‌های اجتماعی حمایت نمایند. این امر می‌تواند به توسعه راه‌حل‌های نوآورانه برای چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی کمک کرده و در عین حال، فرصت‌های جدیدی برای کارآفرینی سازمانی در داخل سازمان ایجاد نماید. برای مثال، سازمان‌ها می‌توانند با برگزاری چالش‌های نوآوری با موضوعات مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی، از استارت‌آپ‌ها دعوت به ارائه ایده‌های خلاقانه نموده و به تیم‌های برتر، سرمایه و منتورینگ لازم را ارائه دهند. با تلفیق رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی و توسعه کارآفرینی سازمانی از طریق پلتفرم‌های دیجیتالی و همکاری با استارت‌آپ‌های اجتماعی، سازمان‌ها می‌توانند به ایجاد ارزش پایدار برای سهامداران، جوامع محلی و محیط زیست کمک کرده و در عین حال، مزایای رقابتی قابل توجهی کسب نمایند.

همچنین، استفاده از مطالعات تطبیقی و تجربیات موفق کشورهای مختلف در زمینه پیاده‌سازی کارآفرینی سازمانی، به‌ویژه با تأکید بر عواملی مانند مسئولیت اجتماعی شرکتی که شامل مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی در صنایع مختلف است، می‌تواند افق‌های جدیدی را در سیاست‌گذاری و اجرای این رویکرد در کشور بگشاید. بر این اساس، پیشنهادهای برای تحقیقات آتی و اقدامات عملی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:

○ راه‌اندازی و طراحی پلتفرم‌های دیجیتال با هدف ادغام مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی و توسعه کارآفرینی سازمانی، به‌منظور تسهیل ارتباطات میان سازمان‌ها، جوامع محلی و سایر ذی‌نفعان؛

○ ایجاد زیرساخت‌هایی برای هم‌افزایی و تعامل با استارت‌آپ‌های اجتماعی محور، از جمله تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، راه‌اندازی شتاب‌دهنده‌ها و حمایت هدفمند از کسب‌وکارهای نوپا با مأموریت‌های اجتماعی.

محدود بودن جامعه آماری به خبرگان فعال در صنایع تولیدی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط یکی از محدودیت‌های پژوهش است. با توجه به گستردگی جغرافیایی کشور ایران و تنوع گسترده در ساختار صنایع، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، دامنه تحقیق به سطح ملی گسترش یافته و نتایج آن به کل کشور تعمیم داده شود. چنین رویکردی می‌تواند تصویری جامع‌تر از چالش‌ها و فرصت‌های توسعه کارآفرینی سازمانی فراهم آورده و ابزار مؤثری در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان برای اتخاذ راهبردهای اثربخش قرار دهد.

تشکر و قدردانی

در پایان این مقاله، ضمن قدردانی از زحمات سازمان‌ها و خبرگان حوزه کارآفرینی و فناوری که در این تحقیق همکاری کردند، از حمایت‌های ارزشمند دانشگاه و اعضای هیئت علمی نیز سپاسگزاری می‌نماییم. این پژوهش حاصل تلاش‌های مشترک در راستای توسعه و توانمندسازی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان است و امید است که نتایج آن راهگشای تصمیم‌گیرندگان و فعالان این حوزه باشد.

تعارض منافع

نویسنده(گان) اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد. علاوه بر این، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوء رفتار، جعل داده‌ها، انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

دسترسی آزاد

این نشریه دارای دسترسی باز است و اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

منابع

- Abdissa, G., Ayalew, A., Illés, C. B., & Dunay, A. (2021). Effects of corporate entrepreneurship dimensions on organizational performance: Case of small and medium enterprises in Holeta Town, Ethiopia. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 7(4), 234–240. <https://doi.org/10.3390/joitmc7040234>
- Ahadi, S., & Kasraie, S. (2020). Contextual factors of entrepreneurship intention in manufacturing SMEs: The case study of Iran. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 27(4), 633–657. <https://doi.org/10.1108/JSBED-09-2019-0301>
- Alam, N., Shopovski, J., & El Alaoui, A. (2024). Obstacles to development of entrepreneurship in Pakistan. *ESI Preprints (European Scientific Journal, ESJ)*, 20(4), 52–52.
- Aliabadi, E., Azizi, M., Tabriz, A. A., & Davari, A. (2023). Analysis of the implementation of entrepreneurship policies in Iran. *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, 30(114), 195–337. [In Persian]
- Ansari, M. T., & Salmanizadeh, A. (1959). Investigating the environmental factors affecting entrepreneurship development from the perspective of entrepreneurs in the country. *Research Paper on Transformation Management*, 1(1), 87–110. [In Persian]
- Berjani, D., van Burg, E., & Verduijn, K. (2023). Discursive threads in entrepreneurship policy texts: A comparative analysis between The Netherlands and Kosovo. *Entrepreneurship & Regional Development*, 35(3–4), 297–316. <https://doi.org/10.1080/08985626.2023.2182015>
- Bouzarovski, S., Bradshaw, M., & Wochnik, A. (2024). Institutional theory. In *Keywords in Education Policy Research: A Conceptual Toolbox* (Vol. 64, pp. 119–135). Policy Press.

- Candeias, J. C., & Sarkar, S. (2024). Entrepreneurial ecosystems policy formulation: A conceptual framework. *Academy of Management Perspectives*, 38(1), 77–105. <https://doi.org/10.5465/amp.2022.0047>
- Davari, A., Manouchehri Rad, R., Rahmani, S., & Ghavami, A. (2023). A comparative study of entrepreneurship education policy making areas. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22(4), 1–24. https://journal.irphe.ac.ir/article_702908_en.html
- Davari, A. (2018). *Entrepreneurship development policy: Theories and experiences of countries*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Davari, A., Afsham, N., & Farokhmanesh, T. (2015). Macro-policies affecting entrepreneurship development based on business environment models. In *Proceedings of the National Conference on Business Environment Improvement* (pp. 438–462). [In Persian]
- Dias, A., Pereira, L., & Lopes da Costa, R. (2023). Organizational capabilities as antecedents of entrepreneurship: A basis for business practice and policy making. *Journal of African Business*, 24(1), 1–18. <https://doi.org/10.1080/15228916.2021.1907156>
- Funko, I. S., Vlačić, B., & Dabić, M. (2023). Corporate entrepreneurship in public sector: A systematic literature review and research agenda. *Journal of Innovation & Knowledge*, 8(2), 100343. <https://doi.org/10.1016/j.jik.2023.100343>
- Ghayur Baghbani, S. M., Pourang, A., & Tavasoli, A. (2020). Identifying factors affecting the development of organizational entrepreneurship (Case study: Education in Khorasan Razavi). *Quarterly Scientific and Research Journal of Education*, 36(3), 29–52. [In Persian]
- Girma Aragaw, Z., Haag, K., & Baù, M. (2025). Contextualizing corporate entrepreneurship: A systematic review and future research agenda. *Entrepreneurship & Regional Development*, 37(1–2), 1–37.
- Gómez-Haro, S., Aragón-Correa, J. A., & Córdón-Pozo, E. (2011). Differentiating the effects of the institutional environment on corporate entrepreneurship. *Management Decision*, 49(10), 1677–1693.
- Helou, K. E., & Neubert, M. (2022). How public policies shape entrepreneurial ecosystems. *International Journal of Teaching and Case Studies*, 13(2), 112–134.
- Helpman, E. (Ed.). (2009). *Institutions and economic performance*. Harvard University Press.
- Henao-García, E. A., Arias-Pérez, J., & Lozada-Barahona, N. E. (2020). Corporate entrepreneurship, resources, capabilities and institutional factors: An analysis for emerging markets. *International Journal of Business Innovation and Research*, 22(1), 106–125.
- Holmes, R. M., Zahra, S. A., Hoskisson, R. E., DeGhetto, K., & Sutton, T. (2016). Two-way streets: The role of institutions and technology policy in firms' corporate entrepreneurship and political strategies. *Academy of Management Perspectives*, 30(3), 247–272.
- Hurd, I. (2024). *International organizations: Politics, law, practice*. Cambridge University Press.
- Juhász, R., Lane, N., & Rodrik, D. (2023). The new economics of industrial policy. *Annual Review of Economics*, 16. <https://doi.org/10.1146/annurev-economics-081023-024638>

- Kara, O., Altinay, L., Bağış, M., Kurutkan, M. N., & Vatankhah, S. (2024). Institutions and macroeconomic indicators: Entrepreneurial activities across the world. *Management Decision*, 62(4), 1238–1290.
- Karami, M., Karimi, Y. M., Akbari, M., & Gnoth, J. (2024). Rural women entrepreneurship: When femininity compensates for institutional hurdles. *Asian Business & Management*, 23(5), 738–766.
- Khan, M. A. (2022). Barriers constraining the growth of and potential solutions for emerging entrepreneurial SMEs. *Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 16(1), 38–50.
- Khorsandi Pishkenari, M., Mehrabi, M., & Davari, A. (2010). Designing a model for the development of knowledge-based businesses under sanctions with an entrepreneurial approach: A meta-synthesis study. *Ahvaz Jundishapour Education Development Journal*, 13(4), 675–690. [In Persian]
- Khorsandi, R., Altar, J., & Judgment, M. (2022). Designing the development model of knowledge-based businesses in the conditions of embargo with an entrepreneurial approach: A meta-composite study. *Ahvaz Jundishapour Education Development Journal*, 13(4), 675–690.
- Kuratko, D. F., & Audretsch, D. B. (2013). Clarifying the domains of corporate entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 9(3), 323–335.
- Mérindol, V., & Versailles, D. W. (2024). Resource allocation in healthcare entrepreneurial ecosystems: The strategic role of entrepreneurial support organizations. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 30(8), 2106–2129.
- Meysami, A. M., Mohammadi Eliasi, G., Mobini Dehkordi, A., & Hejazi, S. R. (2017). Dimensions and components of the technological entrepreneurship ecosystem in Iran. *Technology Development Management*, 5(3), 9–42. [In Persian]
- Moradi, M., Hassanand, D., Derakhshani, K., & Sarlak, M. (2021). The effect of formal and informal institutions on the development of entrepreneurship in the MENA countries. *Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 81, 145–176. [In Persian]
- Nabiyev, G. A., & Isroilova, D. D. (2022). Problems of formation and development of small business and private entrepreneurship. *Scientific Progress*, 3(3), 46–51.
- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press.
- Omri, H., Omri, A., & Abbassi, A. (2024). Macro-level determinants of entrepreneurial behavior and motivation. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 20(4), 2629–2667.
- Onileowo, T. T. (2024). Exploring the influence of government policy on entrepreneurship development. *British Journal of Multidisciplinary and Advanced Studies*, 5(1), 198–211.
- Parker, S. C. (2024). Democracy, corruption, and endogenous entrepreneurship policy. *Public Choice*, 198(3), 361–376.
- Qian, H., & Acs, Z. J. (2023). Entrepreneurial ecosystems and economic development policy. *Economic Development Quarterly*, 37(1), 96–102.
- Sanaeipour, H. (2019). Explaining the intellectual foundations of entrepreneurship policy-making. *Strategic Studies of Public Policy Journal*, 31(9), 21–38. [In Persian]

- Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings. *Research in Nursing & Health*, 30(1), 99–111.
- Seyidi, H., & Taghikhani, A. (2011). Obstacles to entrepreneurship development and the role of the government in facilitating entrepreneurship development. *Journal of Work and Society Quarterly*, 135, 76–80. [In Persian]
- Sharaftinejad, A. A., Sajjadi, S. M., Ghasemi, H. R., Shahidi, S., Alimiri, M., & Mousavi Shooshtari, S. A. (2019). Designing an organizational entrepreneurship model in Iranian textile industries. *Journal of Innovation and Value Creation*, 8(15), 93–108. [In Persian]
- Smith, K. B., & Larimer, C. W. (2018). *The public policy theory primer*. Routledge.
- Taneja, M., Kiran, R., & Bose, S. C. (2024). Assessing entrepreneurial intentions through experiential learning, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial attitude. *Studies in Higher Education*, 49(1), 98–118.
- Thoenig, J. C. (2012). Institutional theories and public institutions: New agendas and appropriateness. In *The SAGE Handbook of Public Administration* (pp. 169–179). SAGE.
- Tootoonchy, M., & Sajadi, S. M. (2024). Corporate entrepreneurship as a learning process: Development of new capabilities. *Entrepreneurship Research Journal*, 14(1), 149–186.
- Urbano, D., Turro, A., Wright, M., & Zahra, S. (2022). Corporate entrepreneurship: A systematic literature review and future research agenda. *Small Business Economics*, 59(4), 1541–1565.
- Vanacker, T., Zahra, S. A., & Holmes, R. M. (2021). Corporate entrepreneurship, country institutions and firm financial performance. *Journal of World Business*, 56(3), 101162.
- Wahyudi, I., Suroso, A. I., Arifin, B., Rusli, M. S., & Syarief, R. (2024). Alternative corporate entrepreneurship strategies for improving firm performance using the analytical hierarchy process. *Global Business and Economics Review*, 30(2), 154–175.
- Wang, M., Zhu, C. J., Mayson, S., & Chen, W. (2019). Contextualizing performance appraisal practices in Chinese public sector organizations: The importance of context and areas for future study. *The International Journal of Human Resource Management*, 30(5), 902–919.
- Wang, S., & Wang, H. (2020). Big data for small and medium-sized enterprises (SME): A knowledge management model. *Journal of Knowledge Management*, 24(4), 881–897.
- Wei, W., & Duan, J. (2024). How do entrepreneurial activities at different levels promote business growth: A review and research agenda. *Chinese Management Studies*, 18(3), 755–784.
- Zbierowski, P. (2020). The mystery of high performance – Mediation by entrepreneurial orientation and organizational citizenship behavior. *Journal of Entrepreneurship, Management and Innovation*, 16(2), 67–91.
- Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: A question of dialoguing with texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3), 311–318.
- Zoghikodehi, H., Davari, A., & Rezvani, M. (2024). Designing a policy framework for organizational entrepreneurship development based on institutional dimensions (grounded in data theory). *Journal of Business Research Quarterly*, 110, 83–119. [In Persian].